

ضرورت همسویی مجلس شورای اسلامی با تعهدات بین‌المللی دولت در مقابله با جرایم مرتبط با مواد مخدر و روان‌گردان

فریده شایگان^۱ - اسماعیل رحمانی کلاکوب^۲

دریافت: ۱۳۹۶/۴/۲۶ - پذیرش: ۱۳۹۷/۷/۱۵

چکیده

جرایم مرتبط با مواد مخدر و روان‌گردان، تهدیدی جدی برای حقوق بنیادین بشر و نیز بنیان‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع ملی و نظم و امنیت بین‌المللی محسوب می‌شوند. مقابله با جرایم مذکور، مسئولیت فردی و جمعی کلیه دولت‌هاست که باید توأم با رعایت الزامات حقوق بشری صورت گیرد. یکی از مهمترین الزامات حقوق بشری در جهان معاصر، محدود کردن مجازات اعدام به «خطرترین جرایم» است. با توجه به اینکه نهادهای بین‌المللی حقوق بشری، جرایم مرتبط با مواد را در زمره «خطرترین جرایم» نمی‌دانند؛ مجلس می‌تواند با محدود کردن مجازات اعدام، نقش مؤثری در اجتناب از پیدایش مسئولیت بین‌المللی برای دولت ایران ایفا کند.

واژگان کلیدی: مواد مخدر و روان‌گردان، تعهدات بین‌المللی حقوق بشری، تحدید مجازات اعدام، مسئولیت بین‌المللی دولت.

مقدمه

اعتیاد به مواد مخدر و روان گردان یک «بلیه بزرگ»^۱ برای فرد انسانی و جامعه جهانی است؛ نیاز افراد معتاد و سود سرشار ناشی از تولید و عرضه مواد، باعث شده است که امروزه، باندهای تروریستی و کارتل‌های قاچاق مواد مخدر و روان گردان در قاره‌های مختلف، به ارتکاب جرایم سازمان یافته تولید و قاچاق مواد مخدر و روان گردان اشتغال ورزند. به دلیل ارتباط معناداری که بین سایر جرایم سازمان یافته فراملی از قبیل تروریسم، قاچاق اسلحه و پولشویی با قاچاق مواد مخدر و روان گردان وجود دارد، عدم مقابله جدی با جرایم مرتبط با مواد، نه تنها، حقوق بنیادین بشر همچون، حق حیات و کرامت انسانی و بنیان‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جوامع داخلی را به مخاطره خواهد انداخت؛ بلکه، تهدیدی جدی، علیه نظم و امنیت بین‌المللی نیز خواهد بود. قاچاق مواد مخدر، جرمی است بین‌المللی که ریشه کن کردن آن مستلزم توجه فوری و مسئولیت جمعی کلیه دولت‌ها است.^۲

جامعه بین‌المللی، در طول چند دهه، تلاش نموده است با تمهید اقدامات مختلف از جمله انعقاد معاهدات بین‌المللی، زمینه همکاری دولت‌ها را برای مقابله با جرایم مذکور فراهم کند.^۳ با توجه به آثار سوء فراوان قاچاق مواد مخدر و روان گردان بر حقوق بشر و جامعه بین‌المللی در کل، تعهد دولت‌ها به همکاری در این زمینه را می‌توان، نوعی، «تعهد در قبال همگان»^۴ دانست.^۵

1. Serious Evil.

۲. عواقب سوء مذکور در مقدمه دو معاهده زیر ذکر شده است:

Single Convention on Narcotic Drugs, 1961; United Nation Convention against the Illicit Traffic in Narcotic Drugs and Psychotropic Substances, 1988.

۳. با توجه به ماهیت حقوق بین‌الملل و ساختار جامعه بین‌المللی، اصولاً، اجرای مقررات بین‌المللی در ابعاد مختلف، بدون همکاری دولت‌ها، غیرقابل تصور است (Duncan, 2007: 17).

4. Obligations Erga Omnes.

۵. مفهوم تعهدات دولت‌ها در قبال جامعه بین‌المللی یا «تعهد در قبال همگان»، برای اولین بار توسط دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۱۹۷۰ در قضیه بارسلونا تراکشن، مطرح شد. دیوان، کلیه دولت‌ها را در رعایت آن تعهدات، دارای نفع حقوقی دانست و تأکید کرد که آن تعهدات به دلیل ماهیت‌شان برای تمام دولت‌ها حائز اهمیت هستند (ICJ, Reports, 33 (Barcelona Traction, 1970: para. 33). در بند ۱ ماده ۳۳ طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل، در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها برای اعمال متخلفانه مصوب ۲۰۰۱ نیز، اشاره شده است که تعهدات دولت‌ها متناسب با ویژگی، محتوا و شرایط نقض آن ممکن است در قبال یک دولت، چند دولت یا جامعه بین‌المللی در مجموع باشد. با توجه به تأثیرات شدید قاچاق مواد مخدر و روان گردان بر نظم و امنیت بین‌المللی، در مقدمه کنوانسیون ملل متحد برای مقابله با قاچاق مواد مخدر و روان گردان مصوب ۱۹۸۸، مقابله با آن، مستلزم توجه فوری و تکلیف جمعی کلیه دولت‌ها و دارای بالاترین اولویت (The Highest Priority) دانسته شده است. با توجه به مفاد معاهدات بین‌المللی در زمینه مقابله با جرایم سازمان یافته از جمله معاهده مذکور، ذینفعان تکالیف مقرر در آن معاهدات، کلیه دولت‌ها و جامعه بین‌المللی در مجموع می‌باشند. بنابراین،

با وجود ضرورت برخورد جدی با جرایم مرتبط با مواد، عملکرد برخی از دولت‌ها، در این زمینه بعضاً ناقض تعهدات حقوق بشری آنها شناخته شده و با انتقاد و محکومیت از سوی نهادهای بین‌المللی حقوق بشری مواجه شده است؛ چرا که، عمل دولت‌ها حتی در مقابله با جرایم، باید توأم با رعایت الزامات حقوق بشری از جمله استانداردهای بین‌المللی دادرسی باشد. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (در این مقاله، میثاق نامیده می‌شود) به عنوان جامع‌ترین معاهده جهانی موجود در زمینه حقوق مدنی و سیاسی افراد، در مواد مختلف به تبیین موازین بین‌المللی دادرسی پرداخته است.

باتوجه به الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به میثاق و معاهدات مهم بین‌المللی در زمینه مقابله با جرایم مرتبط با مواد مخدر و روان‌گردان،^۱ ضروری است، زمینه اجرای با حسن نیت آنها را فراهم کند.^۲ در نظام حقوقی ایران، ورود معاهده به نظام داخلی و اثربخشی آن، مستلزم قرار گرفتن آن معاهده در قالب قانون داخلی است^۳ لذا مجلس شورای اسلامی باید با وضع قوانین عادی همسو با معاهدات بین‌المللی موصوف یا با نسخ قوانین مغایر با آنها، موجبات اجرای تعهدات بین‌المللی دولت را در زمینه مبارزه مؤثر با مواد مخدر و روان‌گردان، در عین توجه به الزامات حقوق بشری، فراهم نماید.

وضع قوانین جدید آیین دادرسی کیفری و مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ و نیز الحاق ماده ۴۵ به قانون مبارزه با مواد مخدر در سال ۱۳۹۶ توسط مجلس، تا حد زیادی زمینه اجرای تعهدات بین‌المللی دولت را در خصوص استانداردهای بین‌المللی دادرسی فراهم کرده است. با

می‌توان نتیجه گرفت: مقابله با جرایم سازمان‌یافته از جمله قاچاق مواد مخدر و روان‌گردان که مخل نظم و امنیت بین‌المللی هستند، نوعی تعهد دولت‌ها در قبال کل جامعه بین‌المللی (تعهد ارگامنس) است.

۱. دولت ایران به موجب ماده واحده‌ای در تاریخ ۱۳۵۴/۲/۱۷ به میثاق، در تاریخ ۱۳۵۱/۴/۷ به معاهده واحد مواد مخدر ۱۹۶۱؛ در خرداد ماه ۱۳۷۷ به کنوانسیون مواد روان‌گردان ۱۹۷۱ و در تاریخ ۱۳۷۰/۹/۳ به کنوانسیون مبارزه با قاچاق مواد مخدر و روان‌گردان ۱۹۸۸ ملحق شده است. برای ملاحظه قانون الحاق دولت ایران به معاهدات مذکور، به ترتیب، رجوع شود به:

<http://rc.majlis.ir/fa/law/show/97259> & <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/96841> & <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/93109> & <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/91987>.

۲. بر طبق ماده ۲۶ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین در زمینه حقوق معاهدات که در واقع مبین حقوق بین‌الملل عرفی و اصل وفای به عهد است: «هر معاهده لازم الاجرا، برای طرف‌های آن الزام‌آور است و باید توسط آن‌ها با حسن نیت اجرا گردد».

۳. بر طبق اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی، عهدنامه‌ها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی میان دولت ایران با سایر دولت‌ها باید به تصویب مجلس شورای اسلامی و امضای رئیس‌جمهور یا نماینده قانونی وی برسد تا دارای آثار داخلی و بین‌المللی گردد. بر طبق ماده ۹ قانون مدنی: «مقررات عهدی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است.»

این وجود، باز هم اعمال مجازات اعدام در جرایم مرتبط با مواد مخدر و روان گردان، مورد انتقاد برخی حقوقدانان داخلی و نهادهای بین‌المللی است. میثاق، صرفاً اعمال مجازات اعدام را نسبت به «خطرترین جرایم»^۱ جایز دانسته است. لکن تعریفی از «خطرترین جرایم» یا فهرستی از آن ارائه نکرده است. لذا این موضوع که آیا جرایم مرتبط با مواد، مشمول عنوان خطرترین جرایم می‌شوند تا امکان اعمال مجازات اعدام نسبت به آنها وجود داشته باشد، محل مناقشه است.

این پژوهش کوشیده است با تشریح نظر نهادهای حقوق بشری سازمان ملل متحد و نیز رویکرد اسناد بین‌المللی، ضمن تبیین ماهیت جرایم مرتبط با مواد و ضرورت مقابله با آن، قابلیت شمول عنوان «خطرترین جرایم» را بر جرایم مذکور و نیز تکلیف مجلس شورای اسلامی را در وضع قوانین همسو با تعهدات بین‌المللی دولت و نسخ قوانین مغایر با آن تعهدات، از منظر حقوق بین‌الملل حقوق بشر، مورد بررسی قرار دهد.

۱. تعهدات بین‌المللی حقوق بشری ایران^۲ در زمینه مقابله با جرایم مرتبط با مواد مخدر و روان گردان: بایدها و نبایدها

با توجه به تأثیرات شوم جرایم مرتبط با مواد مخدر و روان گردان بر بهره‌مندی از حقوق بنیادین بشر، نظم و امنیت بین‌المللی، بر همه دولت‌هاست که اقدامات مؤثری را برای پیشگیری و مبارزه جدی با آن جرایم، معمول دارند (بایدها).

از سوی دیگر، «نظام نو بین‌المللی بر حمایت از حقوق بشر و سایر ارزش‌های مشترک میان انسان‌ها متمرکز گردیده است» (فلسفی، ۱۳۹۰: ۴۹۱). در این نظام، ذینفع اصلی و نهایی "فرد انسانی" است (تیگر شتروم، ۱۳۸۹: ۸۵). لذا اقدامات دولت‌ها، حتی در برخورد با جرایم، نباید

1. Most Serious Crimes.

۱. به طور کلی، حقوق بین‌الملل حقوق بشر، سه نوع تعهد بر عهده دولت‌ها قرار می‌دهد که عبارتند از: تعهد به احترام، تعهد به حمایت و تعهد به ایفای حقوق بشر (Obligations to: Respect, Protect and Fulfil). تعهد به احترام به این معناست که دولت‌ها، باید خود از ایجاد مزاحمت برای بهره‌مندی افراد از حقوق بشر یا محروم کردن آنها از این حقوق خودداری نمایند. تعهد به حمایت، دولت‌ها را ملزم به حمایت از افراد و گروه‌ها در برابر سوء استفاده دیگران از حقوق بشر می‌نماید و تعهد به تأمین یا ایفاء، به معنای تعهد دولت‌ها به اتخاذ اقدامات مثبت یا ایجابی برای تسهیل بهره‌مندی از حقوق بشر است. این تقسیم‌بندی سه‌گانه تعهدات حقوق بشری دولت‌ها، ابتکار آیزورن آید، گزارشگر وقت کمیسیون فرعی کمیسیون حقوق بشر ملل متحد در مورد جلوگیری از تبعیض و حمایت از اقلیت‌ها در دهه ۱۹۸۰ بوده است. برای مطالعه بیشتر در این خصوص رجوع کنید به: (De Schutter, 2010: 242).

خود منجر به نقض حقوق بشر گردد (نبایدها).

۱-۱. تعهد دولت به همکاری در مبارزه با قاچاق مواد مخدر و روان‌گردان

«به طور کلی، اکثر جرایم بین‌المللی، تهدیدی برای صلح و امنیت جهانی و حقوق بشر محسوب می‌شوند و با توجه به نوع و شدت ارتکاب، حسب مورد، موجب نقض آن‌ها شده و عکس‌العمل‌های متفاوتی را در پی خواهد داشت»^۱ (Arrigo, 2013: 148). قاچاق مواد مخدر و روان‌گردان، جزو آن دسته از جرایم بین‌المللی است که اغلب به صورت سازمان‌یافته و مسلحانه ارتکاب می‌یابد و با دیگر جرایم سازمان‌یافته فراملی، به نوعی، مرتبط است. سود سرشار ناشی از تجارت غیرقانونی مواد مخدر و روان‌گردان،^۲ از جمله منابعی است که در اختیار گروه‌های تروریستی و ضدانسانی و حکومت‌های غیردموکراتیک قرار می‌گیرد و پس از طی فرایندی، مشروع جلوه داده می‌شود. با رشد جوامع غیردموکراتیک و تقویت آنها، صلح و امنیت بین‌المللی به مخاطره خواهد افتاد.^۳

«دولت‌ها به عنوان عضوی از جامعه بین‌المللی نمی‌توانند نسبت به آرمان‌های مشترک بشریت و خیر جمعی بی‌تفاوت بوده و رفتاری را در پیش گیرند که مغایر ضرورت‌های جامعه بین‌المللی

۲. در خلال مذاکرات کنفرانس رم، به منظور تهیه پیش‌نویس اساسنامه‌ای برای تشکیل یک دادگاه کیفری بین‌المللی، جنایات مهم بین‌المللی به «جنایات اصلی» (Core Crimes) و دیگر جنایات بین‌المللی به «جنایات معاهده‌ای» (Treaty Crimes) تقسیم شد و تنها جنایات اصلی که شامل نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت، جنایات جنگی و جنایت تجاوز می‌شدند؛ در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی قرار گرفتند. تلاش‌های زیادی صورت گرفت که برخی از جرایم که مبنای معاهده‌ای داشتند، از جمله قاچاق مواد مخدر و تروریسم در صلاحیت دیوان قرار گیرند. لکن، توافق حاصل نشد. اگرچه ممکن است جرایم بین‌المللی قراردادی علیه ارزش‌های مشترک بشریت ارتکاب یابد اما شدت و وخامت آنها به حد جرایم ذاتی بین‌المللی نمی‌رسد (طهماسبی، ۱۳۹۱: ۳۹-۳۸). با این وجود، با توجه به آثار سوء این دسته از جرایم، دولت‌ها در قالب معاهدات بین‌المللی مختلف از قبیل کنوانسیون علیه جرایم سازمان‌یافته فراملی مصوب سال ۲۰۰۰ (موسوم به کنوانسیون پالمو) آن‌ها را جرم دانسته و با ایجاد صلاحیت جهانی برای دادگاه‌های داخلی، رسیدگی به آن‌ها را مورد تأکید قرار داده‌اند.

۱. امروزه، قاچاق مواد مخدر و روان‌گردان، سودآورترین و مهمترین جرم سازمان‌یافته در جهان محسوب می‌شود و بر اساس تخمین‌های صورت گرفته، ارزش بازار جهانی این مواد، سالانه ۵۰۰ میلیارد دلار است که از تولید ناخالص داخلی تمام کشورهای جهان به استثنای ۷ کشور ثروتمند دنیا بیشتر است (میرزایی، ۱۳۹۳: ۴۱).

۳. به عقیده کانت؛ ارتباط وثیقی بین صلح و امنیت بین‌المللی در جامعه بین‌المللی و دموکراسی در جوامع داخلی وجود دارد. کانت دلایلی اقامه می‌کند تا نشان دهد اگر در داخل کشور حقوق فردی و مشارکت سیاسی مردم در حکومت تضمین شود، دستیابی به صلح در عرصه بین‌المللی ممکن می‌گردد. استدلال اصلی او این است که اگر خود مردم بر خود حکومت کنند، شهروندان دو طرف نزاع به جد مراقبت می‌کنند جنگی رخ ندهد زیرا پیامد آن دامن خودشان را خواهد گرفت. در چنین حکومتی خود مردم، یعنی همان کسانی که نهایتاً در معرض وحشت، فاجعه کشتار و جنگ قرار خواهند گرفت، تصمیم می‌گیرند که آیا دست به جنگ بزنند یا نه (تسون، ۱۳۹۲: ۷۳-۷۱).

باشد.» (بارانی، ۱۳۹۲: ۱۱۸) به همین دلیل، آنها ضمن اتخاذ تدابیر لازم در قلمرو تحت صلاحیت خود، برای مقابله مؤثر با جرایم فراملی تدابیر مشترکی را با سایر دولت‌ها اتخاذ کرده‌اند (De Hoogh, 1996: 109). تعهد دولت‌ها به همکاری و نیز پیشگیری از وقوع جرایم بین‌المللی، ریشه در تعهدات بین‌المللی قراردادی و عرفی دارد (De Hoogh, 1996: 122). لذا عدم همکاری دولت‌ها در زمینه پیشگیری و مقابله با آن جرایم، نقض تعهد تلقی شده و موجب تحقق مسئولیت بین‌المللی آنها خواهد شد (Crawford, 2010: 134).

به طور کلی، در ارتباط با جرایم مرتبط با مواد مخدر و روان‌گردان، سه دسته تعهد ناشی از اسناد و معاهدات بین‌المللی قابل احصاء است که بر مبنای هر یک از آنها، دولت‌های طرف آن، متعهد به همکاری با یکدیگر هستند. این دسته از اسناد عبارتند از:

الف- اسناد بین‌المللی که به طور کلی تأکید بر همکاری دولت‌ها به منظور حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و یا حقوق بشر دارد؛ همانند منشور سازمان ملل متحد و میثاق.

ب- اسناد بین‌المللی که تأکید بر همکاری دولت‌ها در زمینه مقابله با جرایم بین‌المللی و پیشگیری از آن با ارائه راهکارهای مختلف دارد. از قبیل کنوانسیون پالمو و کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد موسوم به کنوانسیون مریدا.

پ- اسناد بین‌المللی که به طور خاص، جرایم مرتبط با مواد مخدر و روان‌گردان را مورد توجه قرار داده و راهکارهایی را برای مقابله با آن جرایم توسط دولت‌ها مطرح کرده‌اند.

تاکنون، سه کنوانسیون مهم بین‌المللی در سطح جهانی - به منظور مقابله با جرایم مرتبط با مواد مخدر و روان‌گردان - شکل گرفته که عبارتند از: کنوانسیون واحد مواد مخدر ۱۹۶۱، کنوانسیون مواد روان‌گردان ۱۹۷۱ و کنوانسیون مبارزه با قاچاق مواد مخدر و روان‌گردان ۱۹۸۸.

در مقدمه هر سه کنوانسیون و برخی مواد آن - از جمله، ماده ۴ کنوانسیون واحد مواد مخدر ۱۹۶۱، تحت عنوان «تعهدات عمومی» و ماده ۳ کنوانسیون مبارزه با قاچاق مواد مخدر و روان‌گردان ۱۹۸۸ تحت عنوان «جرایم و مجازات‌ها» و ماده ۴ آن، تحت عنوان «صلاحیت»، بر لزوم همکاری دولت‌های طرف معاهدات در سطح بین‌المللی و نیز اتخاذ تدابیر لازم در قلمروی داخلی به منظور پیشگیری و مقابله جدی با جرایم مرتبط با مواد، به‌ویژه تولید، عرضه و قاچاق

مواد مخدر و روان‌گردان تأکید شده است.

دولت ایران، به عنوان یکی از طرف‌های آن معاهدات، به‌منظور برخورد قاطع با جرایم مرتبط با مواد با اتخاذ سیاست جنایی امنیت‌گرا^۱، اقدام به وضع قانون مبارزه با مواد مخدر و پیش‌بینی مجازات‌های سنگین از جمله مجازات بدنی، اعدام و شلاق در آن نموده که بعضاً مورد انتقاد نهادهای بین‌المللی حقوق بشری قرار گرفته است.^۲ اینکه اقدامات دولت ایران در برخورد با جرایم مرتبط با مواد، همسو با تعهدات بین‌المللی‌اش بوده یا ناقض برخی تعهدات حقوق بشری‌اش، مستلزم شناخت الزامات حقوق بشری در برخورد با جرایم و نیز شناخت ماهیت جرایم مرتبط با مواد است تا تکلیف ارکان دولت ایران به‌ویژه مجلس شورای اسلامی به انطباق عملکردشان با تعهدات بین‌المللی دولت مشخص شود.

۲-۱. الزامات حقوق بشری در مبارزه با جرایم مرتبط با مواد مخدر و روان‌گردان: تعهد به احترام

دولت‌ها تحت هیچ شرایطی مجاز به عدول از حقوق بنیادین بشر و تعلیق بهره‌مندی افراد حتی جنایتکارترین آنها، از حقوق یاد شده نیستند (ماده ۴ میثاق) لذا در برخورد با جرایم، باید مراقب باشند که تصمیمات و اقداماتشان منجر به نقض حقوق بشر نگردد (تعهد به احترام). بر طبق میثاق، مهمترین تعهدات حقوق بشری در زمینه حقوق متهم عبارتند از: الف- احترام به حق حیات افراد به عنوان یک حق ذاتی و غیرقابل تعلیق (منع سلب خودسرانه و بدون مجوز قانونی حیات افراد) و در نتیجه، تحدید مجازات اعدام به «خطرترین جرایم» (ماده ۶ میثاق)؛ ب- منع شکنجه، منع اعمال مجازات‌ها یا رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز (ماده ۷ میثاق)؛ پ- منع سلب خودسرانه و بدون مجوز آزادی و امنیت شخصی یا بازداشت افراد (ماده ۹ میثاق)؛ ت- احترام به کرامت ذاتی انسان (ماده ۱۰ میثاق)؛ ث- تضمین برابری اشخاص در مقابل دادگاه‌ها و ج- اصل قابل تجدیدنظر بودن احکام (ماده ۱۴ میثاق).

۲. برای آشنایی بیشتر با سیاست جنایی امنیت‌گرا و تأثیر آن بر جامعه و جرایم نک: (غلامی، ۱۳۸۸: ۱۸۹-۱۵۹).

۳. به عنوان مثال، دبیر کل سازمان ملل متحد در بندهای ۶ تا ۱۶ آخرین گزارش خود به مجمع عمومی سازمان ملل متحد در مورد «وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران»، به فراوانی مجازات اعدام در ایران پرداخته و نگرانی خود را در مورد تداوم اعمال مجازات بدنی از جمله؛ اعدام‌ها در ایران به‌ویژه برای جرائم مرتبط با مواد مخدر و روان‌گردان مطرح نموده است (UN Doc. A/HRC/34/40, 13 March 2017).

در فرایند برخورد با جرایم مرتبط با مواد مخدر و روان گردان، از میان حقوق متهم، «حق حیات» او و اینکه اعمال مجازات اعدام نافی آن حق تلقی می شود یا خیر، همواره مورد اختلاف نظر بوده است. «اعمال مجازات مرگ تا اوایل قرن بیستم، حق انحصاری حکومت های ملی محسوب می شد. اما دو جنگ جهانی و تراژدی های خون بار به وقوع پیوسته در جریان آنها، موجب ایجاد تحولی جهانی در زمینه توجه به حیات، کرامت انسانی و افزایش تدابیر حقوق بشری در دوره پسا جنگ شد و این خود نیروی محرکه و سرآغاز گرایش به سمت انسانی شدن مجازات ها بود» (Bae, 2007: 1-2).

حق مصون بودن از مجازات های ظالمانه، غیرانسانی و موهن برخاسته از کرامت ذاتی انسان است که مجازات اعدام آن را تحت تأثیر قرار می دهد. در حال حاضر اکثر دولت ها معتقدند، مجازات اعدام ناقض حق حیات و کرامت انسانی است. اوضاع و احوال مقارن اجرای مجازات اعدام، نه خود مجازات اعدام به خصوص انتظار همراه با اضطراب دائم و فزاینده ناشی از اجرای آن، می تواند نقض ممنوعیت مجازات ها و رفتارهای ظالمانه و غیرانسانی یا موهن به شمار آید (سونکا، ۱۳۷۶: ۴۱۷-۴۱۶). این دولت ها معتقد به لغو مجازات اعدام به طور کلی هستند. در مقابل، تعدادی دیگر از دولت ها که در بین آنها کشورهای بزرگ و پیشرفته ای چون ایالات متحده آمریکا، چین، هند و ژاپن به چشم می خورد، با ادعای حمایت از حقوق بشر، بر ابقای اعدام اصرار می ورزند و آن را مجازاتی ضروری و مشروع می دانند (آقا میرسلیم، ۸۷-۱۳۸۶: ۱۳). این دولت ها، اعمال مجازات اعدام را یکی از راه های مؤثر مبارزه با جرایم مرتبط با مواد تلقی می کنند.

مسئله مجازات اعدام در کارهای مقدماتی اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸، ذیل عنوان حق حیات مورد بحث قرار گرفت. در آن زمان، اقلیت مجازات اعدام را به منزله نقض حق حیات می دانستند. در نتیجه، متن نهایی به این مجازات اشاره نکرد. میثاق که ترجمان بخشی از اصول مندرج در اعلامیه جهانی به صورت تعهدات حقوقی است، نخستین تلاش برای محدود کردن مجازات اعدام به شمار می رود. در بند ۱ ماده ۶ میثاق، حق حیات، حق ذاتی شخص انسان به شمار آمده که باید به موجب قانون حمایت شود؛ صرفاً سلب خودسرانه حیات منع شده است. امکان سلب حیات، با رعایت شرایطی، در سایر بندهای مقرر مذکور پیش بینی شده است (سونکا، ۱۳۷۶: ۴۱۷). کمیته حقوق بشر چندین بار اظهار کرده است

که مجازات اعدام فی نفسه با بند نخست ماده ۶ مغایر نیست (Human Comment No. 6, para. 6 (Rights Committee, General

به‌رغم عدم مخالفت میثاق با مجازات اعدام، محدودیت‌های شکلی و ماهوی برای اعمال و اجرای آن مجازات در ماده ۶ آن در نظر گرفته شده است. مهمترین قید محدودکننده مجازات اعدام مندرج در آن ماده - از ابتدا مورد مجادله بوده است - مربوط به ماهیت جرایم مستوجب مجازات اعدام است. بند ۲ ماده مذکور به صراحت، صدور حکم اعدام را در کشورهایی که مجازات اعدام در آنها لغو نشده، جایز ندانسته؛ مگر در مورد «خطرترین جرایم» بر طبق قانون لازم‌الاجرا در زمان ارتکاب جرم. در سال‌های پس از میثاق، با توجه به آثار سوء اعدام، بتدریج تمایلی فزاینده در جهت لغو مجازات اعدام شکل گرفت تا جایی که مبارزه با اعدام به عنوان یک ارزش مطرح شد.^۱ انعقاد پروتکل‌های اختیاری مربوط به لغو مجازات اعدام^۲ از جمله دومین پروتکل اختیاری منضم به میثاق حقوق مدنی و سیاسی راجع به الغای مجازات مرگ^۳ (UN Doc. A/RES/44/128, 1989) و اقدام بسیاری از دولت‌ها در تصویب یا الحاق به آنها، بیانگر چنین رویکرد و گرایشی هستند.

با این وجود، با توجه به مفاد اسناد بین‌المللی حقوق بشری و رویه دولت‌ها می‌توان گفت: در حال حاضر، تعهد به لغو مجازات اعدام صرفاً جنبه قراردادی داشته و برای دولت‌هایی الزامی است که پروتکل‌های الحاقی به برخی از معاهدات حقوق بشری را در خصوص لغو مجازات اعدام تصویب کرده یا به آنها ملحق شده‌اند. سایر دولت‌ها متعهد به محدود کردن مجازات اعدام به «خطرترین جرایم» می‌باشند. عبارت «خطرترین جرایم» دارای ابهام زیادی است. نهادهای بین‌المللی حقوق بشری، تلاش

۱. روز دهم اکتبر از سوی سازمان ملل متحد «روز جهانی مبارزه با اعدام» نامیده شده است. نک:

<http://www.ohchr.org/EN/NewsYorks/Stories/Pages/UNMarksWorldDayAgainstDeathPenalty.aspx> (19 November 2016).

۲. از جمله مهمترین اسناد بین‌المللی در خصوص لغو مجازات اعدام عبارتند از: دومین پروتکل اختیاری میثاق حقوق مدنی و سیاسی، ششمین پروتکل کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در خصوص الغای مجازات اعدام در زمان صلح ۱۸ آوریل ۱۹۸۳، پروتکل شماره ۱۳ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در خصوص الغای مجازات اعدام در تمام شرایط ۳ می ۲۰۰۳، پروتکل الحاقی به کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر ۸ ژوئن ۱۹۹۰. جهت مطالعه بیشتر در این زمینه رجوع کنید: (داشاپ، ۱۳۸۵: ۶۶).

۳. دومین پروتکل اختیاری منضم به میثاق که از ۱۱ ژوئیه ۱۹۹۱ لازم‌الاجرا گردیده است؛ به عنوان سندی با گستره جهانی در جرایم عادی، مجازات اعدام را به کلی منع نموده است (ماده ۱). تنها به دولت‌ها اجازه داده است با اعمال شرط، مجازات اعدام را برای جرایم نظامی بسیار مهم که در زمان جنگ ارتکاب می‌یابد حفظ کنند (ماده ۴).

کرده‌اند مفهومی بسیار مضیق از عبارت مذکور ارائه دهند تا اعمال مجازات اعدام به حداقل برسد. کمیته حقوق بشر در نظر تفسیری عام شماره ۶ خود راجع به «حق حیات»، تأکید کرده است که عبارت «خطرترین جرایم» باید به طور محدود قرائت و تفسیر شود به نحوی که مجازات مرگ به عنوان اقدامی کاملاً استثنایی شناخته شود.^۱ کمیته حقوق بشر در جایی دیگر، از دولت‌های طرف میثاق که مجازات اعدام را لغو نکرده‌اند، می‌خواهد جرایمی را که ارتکاب آنها منجر به مرگ نمی‌شود، مشمول عنوان «خطرترین جرایم» قرار ندهند.^۲

گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بشر درباره اعدام‌های فراقانونی، شتاب‌زده و خودسرانه (E/CN.4/2005/7, 2004, para.55). همچنین، شورای اقتصادی - اجتماعی سازمان ملل متحد در قطعنامه شماره ۵۰ با موضوع «تدابیر تضمین‌کننده حمایت از حقوق اشخاص مواجه با مجازات اعدام»^۳ مصرانه تأکید داشته‌اند که مجازات مرگ باید یک مجازات بی‌نهایت استثنایی نسبت به حق حیات محسوب شود و موازین مربوط به استفاده از آن باید به محدودترین شکل ممکن مورد تفسیر قرار گیرند. به نحوی که عبارت «خطرترین جرایم» صرفاً شامل جرایم عمدی که دارای نتایج مرگ‌بار و فوق‌العاده شدید هستند، شود و مجازات اعدام شامل اعمال مجرمانه غیرخشن مانند جرایم مالی و ... نگردد.

در خصوص اینکه آیا جرایم مرتبط با مواد مخدر و روان‌گردان در زمره «خطرترین جرایم» به شمار می‌آیند یا خیر، در مجموع نهادهای بین‌المللی حقوق بشری با ارائه تفسیری مضیق از عبارت «خطرترین جرایم» معتقدند جرایم مرتبط با مواد مخدر و روان‌گردان با آستانه^۴ «خطرترین جرایم» تلاقی پیدا نمی‌کند، لذا اعمال مجازات اعدام را برای اینگونه جرایم نقض آشکار حقوق بشر دانسته‌اند (Lines, 2010: 23). به عنوان مثال، کمیته حقوق بشر در اظهارنظرهای خود درباره کشورهای مختلف از جمله تایلند و سودان تأکید کرده است که جرایم مرتبط با مواد مخدر، مشمول عنوان «خطرترین جرایم» مندرج در بند ۲ ماده ۶ میثاق نمی‌شوند.^۵

گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بشر در خصوص اعدام‌های فراقانونی، شتاب‌زده و خودسرانه نیز در گزارش خود در ۱۹۹۶ تصریح نموده که جرایم مرتبط با مواد مخدر با آستانه

1. Human Rights Committee, General Comment No. 6, para.7.

2. CCPR/C/79/Add. 25, 1993: para. 8

3. E/RES/1984/50, 1984, Annex, para.1.

4. Threshold.

5. CCPR/CO/84/THA, 2005: para.14; CCCPR/C/SDN/CO/3, 2007: para.19.

«خطرترین جرایم» تلاقی پیدا نمی‌کند. وی تصریح کرده است که مجازات مرگ باید نسبت به جرایمی از قبیل جرایم اقتصادی و جرایم مرتبط با مواد مخدر حذف شود.^۱

کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد نیز در بیانیه مارس ۲۰۰۹ خود، نگرانی‌های مشابهی را درباره اعمال مجازات اعدام درباره اشخاصی که فقط برای جرایم مرتبط با مواد مخدر محکوم به اعدام شده‌اند، مطرح کرده است و آن را مایه نگرانی جدی که منجر به نقض حقوق بشر می‌شود؛ دانسته است (OHCHR Press Release, 10 March 2009).

علاوه بر نهادهای حقوق بشری سازمان ملل متحد، معاهدات بین‌المللی در غیر حوزه حقوق بشر نیز، دلالت بر این دارند که مفهوم «خطرترین جرایم» شامل جرایم مرتبط با مواد مخدر و روان‌گردان نمی‌شوند (Lines, 2010: 26). به عنوان مثال، در کنوانسیون مبارزه با قاچاق مواد مخدر و روان‌گردان ۱۹۸۸ که بیشتر از سایر معاهدات، در مقیاس جهانی، اقدام به جرم‌نگاری و تعیین مجازات کرده است؛ مجازات‌هایی از نوع زندان یا سایر انواع مجازات‌های سالب آزادی، مجازات‌های مالی و ضبط اموال پیش‌بینی شده است. در کنوانسیون مذکور، مجازات اعدام برای جرایم مرتبط با مواد مخدر و روان‌گردان حتی در صورت وجود کیفیات مشدده پیش‌بینی نشده است (بند الف از شق ۴ ماده ۳).

یکی دیگر از معاهدات بین‌المللی که می‌تواند به روشن شدن ماهیت جرایم مرتبط با مواد مخدر و روان‌گردان کمک کند، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (اساسنامه رم) است که در ماده ۱ آن، صلاحیت دیوان به «خطرترین جرایمی که مایه نگرانی جامعه بین‌المللی است»^۲ محدود شده است. بر طبق ماده ۵ اساسنامه مذکور، آن جرایم عبارتند از: نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و جنایت تجاوز.

در زمان تهیه پیش‌نویس اساسنامه رم، تلاش‌هایی برای اینکه جرایمی از قبیل تروریسم و قاچاق مواد مخدر داخل در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی قرار گیرند به عمل آمد که نهایتاً توفیقی حاصل نشد. ناتوانی جامعه بین‌المللی در این زمینه، مبین آن است که با وجود نگرانی جهانی درباره تولید، داد و ستد و توزیع غیرقانونی و قاچاق مواد مخدر، دلیل کافی که بیانگر رویه دولت‌ها و اعتقاد حقوقی آنها به قرار گرفتن جرایم مرتبط با مواد در زمره خطرترین جرایم باشد؛

1. E/CN.4/1997/60, 1996: para. 91.

2. Most Serious Crimes of Concern to the International Community.

وجود ندارد. بنابراین فرایند تهیه پیش‌نویس اسانسانامه رم نیز مؤید این نگرش و نتیجه‌گیری است که در عرف بین‌المللی، قاچاق مواد مخدر و روان‌گردان و سایر جرایم مرتبط با مواد از قبیل تولید و توزیع به طریق اولی، مشمول عنوان «خطرناک‌ترین جرایم» نیستند^۱ (Lines, 2010: 25-26).

در حال حاضر، اکثر دولت‌ها همسو با نظر نهادهای بین‌المللی حقوق بشر بر این اعتقادند که جرایم مرتبط با مواد مخدر در زمره «خطرناک‌ترین جرایم» قرار نمی‌گیرند؛ لذا اعمال مجازات اعدام نسبت به آن جرایم را بر خلاف حقوق بین‌الملل حقوق بشر دانسته‌اند. با این وجود، همچنان تعدادی از دولت‌ها برخی جرایم مرتبط با مواد مخدر را جزء «خطرناک‌ترین جرایم» دانسته و بر اعمال مجازات اعدام نسبت به آن‌ها اصرار دارند.

۲. تکلیف مجلس شورای اسلامی به همسویی با تعهدات بین‌المللی دولت

صرف نظر از رابطه بین حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل، به عنوان یک موضوع نظری، «پذیرش و جذب مقررات بین‌المللی در نظام‌های داخلی و تعمیم مکانیسم‌های اجرایی به آن مقررات، هیچگاه تابع نظمی واحد نبوده و در هر کشوری به تناسب اهمیتی که قانون اساسی به ارزش‌های بین‌المللی داده در قالبی معین، انطباق یافته است» (فلسفی، ۱۳۷۳: ۳۳). در خصوص معاهدات در مجموع، «نظر غالب، آن است که معاهده به خودی خود منبع حقوق داخلی نیست ... برای آن که معاهده بتواند از خود آثاری به جای گذارد، باید رسماً در نظام حقوقی داخلی جذب شود» (فلسفی، ۱۳۷۹: ۳۶۳-۳۶۲).

در نظام حقوقی ایران، با توجه به اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی و نیز ماده ۹ قانون مدنی، برای اینکه معاهده بین‌المللی واجد آثار حقوقی الزام آور شود باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.^۲ پس از تصویب معاهده در مجلس و ورود آن به نظام حقوقی ایران، مفاد آن

۱. در اسانسانامه رم و اسانسانامه‌های سایر محاکم کیفری بین‌المللی برای هیچ یک از جنایات بین‌المللی که در زمره خطرناک‌ترین جرایم محسوب می‌شوند، مجازات اعدام تعیین نشده است که این خود دلالت بر گرایش جهانی به سمت الغای مجازات اعدام حتی برای «خطرناک‌ترین جرایم» دارد.

۳. بر طبق نظرات تفسیری شورای نگهبان از اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی، در سال‌های ۱۳۶۰، ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳ نیز بر طبق ماده ۲ آیین‌نامه «نحوه تنظیم و انعقاد توافقات بین‌المللی» مصوب ۱۳۷۱/۲/۱۳ هیأت وزیران، توافقاتی که ساده است شامل قراردادهای جزئی، توافقاتی متضمن همکاری، توافقاتی حقوقی که قبلاً مجوز آن از سوی مجلس صادر شده است و معاملات قراردادی که موضوع آن خرید و فروش کالا، حقوق و خدمات است (ماده ۱) خارج از شمول تصویب مجلس بوده و با امضای وزیر یا بالاترین مقام اجرایی دستگاه مستقل دولتی یا مقامات صلاحیت دار از سوی آنها قدرت و اعتبار حقوقی می‌یابد.

معاهده به موجب ماده ۹ قانون مدنی در حکم قانون خواهد بود و تمام ارکان دولت از جمله خود مجلس مکلف خواهند بود اقدامات لازم را به منظور اجرای با حسن نیت آن معاهده معمول دارند. به عبارت دیگر، در نظام حقوقی ایران، شناسایی و اجرای قواعد حقوق بین‌الملل در عرصه حقوق داخلی نیازمند مجموعه‌ای از اقدامات قانونگذاری است؛ خودداری از وضع و تصویب قوانینی که بر طبق حقوق بین‌الملل لازم به نظر می‌رسد و یا وضع قوانین مخالف حقوق بین‌الملل و یا کوتاهی در نسخ قوانین مخالف حقوق بین‌الملل موجب تحقق مسئولیت بین‌المللی دولت خواهد شد^۱ (ضیایی بیگدلی ۱۳۸۵: ۴۷۶).

بنابراین، الحاق دولت ایران به میثاق و کنوانسیون‌های مهم بین‌المللی در زمینه مقابله با مواد مخدر و روان‌گردان، این تکلیف را برای مجلس شورای اسلامی ایجاد کرده است که با وضع قوانین عادی مناسب و همسو با تعهدات بین‌المللی دولت یا با نسخ قوانین مغایر با آن تعهدات، موجبات اجرای آنها به‌ویژه همراهی قوه قضائیه را در مبارزه جهانی با مواد مخدر و روان‌گردان با رعایت استانداردهای بین‌المللی دادرسی فراهم کند.

۱-۲. وضع قوانین همسو با تعهدات بین‌المللی

مجلس شورای اسلامی در سال‌های اخیر اقدام به وضع قوانینی نموده که در خور تحسین است. از جمله مهمترین این قوانین، قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ است. در این قوانین، همسویی مجلس با تعهدات بین‌المللی دولت در زمینه موازین شکلی و ماهوی بین‌المللی دادرسی و نیز دادرسی افتراقی برای بزهکاران زیر ۱۸ سال مشهود است. به عنوان مثال، در گذشته تمام آرای دادگاه‌های انقلاب، قطعی محسوب می‌شد و صرفاً احکام اعدام صادره بر طبق ماده ۳۲ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر، به منظور قطعی و لازم‌الاجرا شدن، باید به تأیید رئیس دیوان عالی یا دادستان کل کشور می‌رسید. در آخرین اصلاحات صورت گرفته در

۱. مسأله مسئولیت دولت به علت عدم انطباق مقررات داخلی با تعهدات بین‌المللی‌اش در قضیه اختلاف بلژیک - سنگال نزد دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح شد. دیوان در آن قضیه با استناد به ماده ۲۷ کنوانسیون حقوق معاهدات و همچنین حقوق بین‌الملل عرفی بیان داشت: هیچ دولتی نمی‌تواند با استناد به مقررات داخلی و عدم انطباق آنها با تعهدات بین‌المللی‌اش، تخلف خود را توجیه و از ایفای تعهداتش سرباز زند. وجود هر تعهدی به طور ضمنی اجرای آن را در زمان معقول از سوی دولت مربوطه می‌طلبد.

ICJ Judgment of 20 July 2012, Case Concerning Questions Relating to the Obligation to Prosecute or Extradite (Belgium v. Senegal), para. 76, 77, 113, 114 & 119.

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، دادگاه انقلاب که مرجع صالح رسیدگی به جرایم مواد مخدر و روان گردان است، در زمره اقسام دادگاه‌های کیفری محسوب شده و کلیه آرای صادره از آن قابل تجدیدنظرخواهی در مرجع قضایی بالاتر می‌باشد (مواد ۲۹۴، ۴۲۷، ۴۲۸ و ۵۷۰). همچنین، چنانچه مجازات جرم مرتبط با مواد، اعدام یا حبس بیش از ده سال باشد، دادگاه با تعدد قاضی (یک رئیس و دو مستشار) تشکیل می‌شود و حضور و کیل الزامی است (مواد ۲۹۷، ۳۰۲، ۳۰۳ و ۳۸۴). قانون مذکور با تأسیس «دادگاه اطفال و نوجوانان» و نیز پیش‌بینی ضرورت حضور والدین، اولیا یا سرپرست اطفال و نوجوانان، و کیل مدافع و مددکار اجتماعی در دادگاه، امتیازات خاصی را برای آنان قائل شده است (مواد ۳۰۴، ۳۱۵، ۴۰۸ الی ۴۱۷).

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز، از حیث نوع برخورد و تعیین مجازات برای اطفال و نوجوانان امتیازات خاصی نسبت به بزهکاران بالای ۱۸ سال، در نظر گرفته شده است.^۱ حال آنکه قانون سابق (قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰)، با تبعیت از شیوه دفعی و یکباره در تحقق مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان، مرز بین حداقل سن مسئولیت کیفری و سن بلوغ کیفری را در آمیخته و هر دو را یکسان انگاشته بود (صبوری پور، ۱۳۹۴: ۱۷۸). لذا بدون تمایز بین جرایم تعزیری با سایر جرایم، تنها اطفال (پسران کمتر از ۱۵ سال و دختران کمتر از ۹ سال تمام قمری) را مبری از مسئولیت کیفری می‌دانست و تمایزی در نحوه برخورد با بزهکاران بالغ زیر ۱۸ سال با سایر بزهکاران قائل نشده بود. لذا در زمان حکومت قانون سابق، چنانچه در زمان ارتکاب جرم، سن پسران بیش از ۱۵ و دختران بیش از ۹ سال تمام قمری می‌بود؛ امکان اعمال شدیدترین نوع مجازات، حتی اعدام نسبت به آنها وجود داشت.^۲

با توجه به اینکه مقررات اجازه دهنده اعمال مجازات شدید نسبت به اشخاص زیر ۱۸ سال، بر خلاف تعهدات بین‌المللی دولت ایران تلقی می‌شد^۳ و برخی واکنش‌های بین‌المللی را در پی

۱. رجوع کنید به: مواد ۸۸ تا ۹۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲.

۲. رجوع کنید به: ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی.

۳. بر طبق ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک، اشخاص زیر ۱۸ سال کودک محسوب می‌شوند. بر طبق مواد ۳۷ و ۴۰ آن کنوانسیون، باید با کودک مطابق با شئون و ارزش کودک برخورد شود؛ به نحوی که هیچ کودکی نباید تحت شکنجه یا سایر رفتارهای بیرحمانه و غیرانسانی یا مغایر شئون انسانی قرار گیرد. مجازات اعدام و یا حبس ابد بدون امکان بخشودگی را نمی‌توان در مورد کودکان زیر ۱۸ سال اعمال کرد. همچنین دستگیری، بازداشت و یا زندانی کردن یک کودک می‌بایست مطابق با قانون باشد و به عنوان آخرین راه چاره و برای کوتاه‌ترین مدت ممکن باید بدان متوسل شد. بند ۵ ماده ۶ میثاق نیز، صدور حکم اعدام را برای اشخاص زیر ۱۸ سال در زمان ارتکاب جرم منع کرده است.

داشت،^۱ مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۹۲ با وضع قانون مجازات اسلامی جدید و تبعیت از نظام تدریجی مسئولیت کیفری،^۲ ضمن تأکید بر عدم مسئولیت کیفری اطفال (ماده ۱۴۶)، اقدامات تربیتی مراقبتی و نهایتاً واکنش کیفری خفیف‌تری را برای بزه‌کاران زیر ۱۸ سال، حسب نوع و شدت جرم ارتكابی و سن مرتكب، در نظر گرفت (مواد ۱۹، ۸۸، ۸۹، ۱۴۰). در مواردی هم که تعیین مجازات و صدور محکومیت اجتناب‌ناپذیر باشد، آنها را مشمول نهادهای ارفاقی قرار داده است. به عنوان مثال، محکومیت آنان را فاقد آثار کیفری دانسته (ماده ۹۵)؛ همچنین به دادگاه اختیار لازم برای تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات، تخفیف مجازات یا تبدیل اقدامات تأمینی و تربیتی به اقدام مناسب دیگر داده است (مواد ۹۳ و ۹۴).

قانون جدید مجازات اسلامی در جرایم مشمول مجازات حدی و قصاص نیز برای جلوگیری از اعمال مجازات بر اشخاص زیر ۱۸ سال، تدابیر خاصی را اندیشیده است. به عنوان مثال، افراد نابالغ کمتر از ۱۵ سال که مرتكب جرایم مستلزم مجازات حدی و قصاص می‌شوند؛ تنها تحت اقدامات اصلاحی و مراقبتی قرار می‌گیرند (تبصره ۲ ماده ۸۸). حتی در فرضی که اشخاص زیر ۱۸ سال، مشمول مجازات حد یا قصاص شوند نیز در قانون جدید تلاش شده است، در عین احترام به موازین شرعی، با پیش‌بینی عوامل متعدد برای سقوط حد یا قصاص، از اعمال آن مجازات‌ها، حتی الامکان، خودداری شود.^۳

۴. به عنوان مثال، کمیته حقوق کودک - به عنوان نهاد ناظر بر اجرای کنوانسیون حقوق کودک در گزارش‌های متعدد خود از جمله، گزارش سال ۲۰۰۵، ضمن ابراز نگرانی از پایین بودن سن مسئولیت کیفری در ایران، خواستار اعمال تغییراتی در قوانین داخلی ایران شده بود. به منظور مطالعه بیشتر رجوع کنید به:

Committee on the Rights of the Child, Concluding Observations of the Committee on the Rights of the Child: Iran, CRC/C/15/Add.254, Para 72, 31 March 2005.

۵. در نظام تدریجی مسئولیت کیفری، مسئولیت کیفری فرد همگام با تکامل قوه ادراک او، افزایش می‌یابد. در این نظام، بین دو مفهوم حداقل سن مسئولیت کیفری (Minimum Age of Criminal Responsibility) و سن بلوغ کیفری (Penal Maturity) تفاوت وجود دارد. حداقل سن مسئولیت کیفری، حداقل سنی است که از نظر نظام عدالت کیفری، فرد این قابلیت را پیدا می‌کند که در دادگاه کیفری مورد محاکمه قرار گیرد. اما این به هیچ وجه بدان معنا نیست که از همین سن می‌توان با او مانند بزه‌کاران بزرگسال برخورد کرد. در مقابل، سن بلوغ کیفری، آن سنی است که فرد با گذر از آن، مسئولیت کیفری کامل پیدا می‌کند و به مثابه یک بزرگسال، مجازات می‌شود (صبوری‌پور، ۱۳۹۴: ۱۸۰-۱۷۹).

۳. در ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، سه وضعیت به عنوان عوامل سقوط حد یا قصاص، برای بزه‌کاران زیر ۱۸ سال، در نظر گرفته شده است. بر طبق مقرر مذکور، در جرایم موجب حد یا قصاص هرگاه افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال، ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد؛ مجازات حدی یا قصاص ساقط می‌شود.

۲-۲. نسخ و اصلاح قوانین مغایر با تعهدات بین‌المللی

به‌رغم وضع برخی قوانین همسو با تعهدات بین‌المللی دولت، در سال‌های اخیر از جمله قوانینی که همچنان برخی از مواد آن مغایر با تعهدات ناشی از میثاق به نظر می‌رسد، قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام است. این قانون هر چند عزم جدی دولت ایران را در مبارزه با مواد مخدر و روان‌گردان نشان می‌دهد و در طول اجرا بارها مورد الحاق و اصلاح قرار گرفته است اما همچنان نسخ و اصلاح برخی از مواد آن، بر طبق آخرین یافته‌های جرم‌شناسی و تعهدات بین‌المللی دولت، ضروری است. با توجه به تحولات حقوق بین‌الملل به‌ویژه گرایش جهانی به سمت لغو مجازات اعدام، مهمترین ایراد ماهوی وارد بر قانون مذکور که بارها از ناحیه حقوق‌دانان داخلی و نهادهای بین‌المللی مورد تعرض قرار گرفته، پیش‌بینی مجازات اعدام در آن قانون به صورت گسترده بوده است.^۱

دولت ایران جرایم مرتبط با مواد مخدر و روان‌گردان را در زمره «خطرترین جرایم» و تهدیدکننده سلامت و حیات انسان‌ها و زائل‌کننده کرامت آن‌ها دانسته و همانند برخی دولت‌ها، مجازات اعدام را مجازاتی مناسب، مؤثر و بازدارنده برای این جرایم و منطبق با تعهدات مندرج در میثاق تلقی نموده است.^۲

قسمتی از استدلال دولت ایران از این حیث که اصل مجازات اعدام در میثاق و دیگر کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر (به جز پروتکل‌های اختیاری الحاقی به آن کنوانسیون‌ها)

۲. بر طبق ماده ۴ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر (قبل از الحاق ماده ۴۵ در سال ۹۶)، وارد کردن بیش از ۵ کیلوگرم بنگ، چرس، گراس، تریاک، شیره، سوخته یا تفاله تریاک به کشور و یا صدور و ارسال آن از کشور یا تولید، توزیع یا فروش آن مواد یا در معرض فروش قرار دادن آن، دارای مجازات اعدام بود. همچنین بر طبق ماده ۵ آن قانون، تکرار خرید، نگهداری، اختفاء یا حمل مواد مذکور به میزان بیش از ۵ تا ۲۰ کیلوگرم برای بار سوم و در صورتی که مواد مذکور بیش از بیست کیلوگرم باشد، تکرار (برای بار دوم) مجازات اعدام در پی داشت. مرتکبین جرایم مذکور در صورت اقدام به صورت سازمانی و بیشتر از پنج کیلوگرم بودن مواد در همان مرتبه اول به مجازات اعدام محکوم می‌شدند. در ماده ۸ آن قانون نیز، مجازات تعیین شده برای وارد کردن، ساخت، تولید، توزیع، صدور، ارسال، خرید، فروش، در معرض فروش قرار دادن و یا نگهداری، اختفاء یا حمل بیش از ۳۰ گرم هروئین، مرفین، کوکائین و دیگر مشتقات شیمیایی مرفین، آمفتامین، مت‌آمفتامین (شیشه) و یا دیگر مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیردارویی که فهرست آنها به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده، اعدام بود. همچنین بر طبق ماده ۹ قانون مذکور، چنانچه فرد، مرتکب تکرار جرایم مندرج در ماده ۸ شود، در مرتبه چهارم چنانچه مجموع مواد در اثر تکرار به سی گرم می‌رسید، مرتکب در «حکم مفسد فی الارض» تلقی و به مجازات اعدام محکوم می‌شد.

۲. بند ۸ پاسخ دولت جمهوری اسلامی ایران به پیش‌نویس گزارش گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر به هفتادمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد، مورخ ۱۵ اکتبر ۲۰۱۵. رجوع کنید به:

<http://www.iranrights.org/fa/library/document/2896> (11 March 2016)

ناقض حق حیات تلقی نشده و دولت ایران، طرف پروتکل دوم الحاقیه میثاق - در آن لغو مجازات اعدام مقرر شده - نیست و در نتیجه، از نظر حقوق بین‌الملل، متعهد به لغو مجازات اعدام نمی‌باشد؛ درست است. اما باید توجه داشت که در میثاق، مجازات اعدام محدود به «خطرترین جرایم» شده است. درست است که ماهیت و مصادیق «خطرترین جرایم» در میثاق مشخص نشده و مستلزم تفسیر است، اما تفسیر معاهدات، باید با رعایت اصول و قواعد مسلم تفسیر و رویه بعدی دولت‌های متعاقد باشد به نحوی که به نتایج غیرمنطقی و دور از واقعیت منتهی نشود (Brownlie, 1998: 631-632).

به‌رغم خسارات و آسیب‌های بسیار زیاد جرایم مرتبط با مواد مخدر و روان‌گردان بر سلامت و سعادت بشر و پیکره جوامع داخلی و نهایتاً جامعه بین‌المللی و عدم منع مجازات اعدام در میثاق، باید به این واقعیت توجه داشت که جرایم مرتبط با مواد، همانند سایر جرایم، معلول علل مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هستند تا زمانی که فقر و بیکاری، رکود اقتصادی و افراد معتاد در جامعه وجود داشته باشند؛ حتی با اعمال شدیدترین نوع مجازات (اعدام)، نمی‌توان این پدیده شوم را محو یا به نحو مؤثر مهار و محدود نمود.^۱

مهمتر اینکه، اعمال مجازات اعدام، مغایر با مصالح داخلی و بین‌المللی نظام است. قاچاقچیان حرفه‌ای و باندهای مخوف توزیع مواد مخدر و روان‌گردان به دلایل مختلف از جمله استفاده از جوانان نیازمند درآمد، معمولاً مورد شناسایی قرار نمی‌گیرند و حتی ممکن است با درآمدهای کلان خود و رسوخ در بدنه حاکمیت، فضای امنی را برای خود ایجاد کنند. لذا معمولاً کسانی شناسایی و اعدام می‌شوند که می‌توانند به عنوان سرمایه‌های اجتماعی مورد استفاده قرار بگیرند؛ اجرای اعدام نه‌تنها جامعه را از وجود آنها که اغلب جزء جوانان و افراد با استعداد هستند و امکان اصلاح آنها با تدابیر و اقدامات تربیتی بوده، محروم می‌کند بلکه خانواده آنها را نیز به سمت فروپاشی و بزهکاری سوق می‌دهد. امروزه این واقعیت بخوبی از نظر جرم‌شناسی به اثبات

۲. اعمال مجازات اعدام در طول سی سال گذشته (از زمان تصویب قانون مبارزه با مواد مخدر) تاکنون، موجب کاهش جرایم مرتبط با مواد نشده است. کشف مقادیر زیادی از مواد مخدر و روان‌گردان، در طول سال‌های اخیر در مقایسه با سال‌های قبل، مؤید روند رو به رشد تعداد معتادین و جرایمی از قبیل حمل، توزیع و قاچاق مواد مذکور است. به عنوان مثال، بر طبق اعلام رسمی سخنگوی قوه قضائیه در نشست خبری ۱۳۹۵/۱/۲۲ در سال ۹۴ بیش از ۱۲۰ تن مواد مخدر و روان‌گردان و تنها در برخی پرونده‌ها ۲۰۰ کیلوگرم هروئین و یا ۱۰۰ کیلوگرم شیشه (ماده روان‌گردان) کشف شده است. همچنین بین ۴۲ تا ۴۴ درصد از مجرمان، به نوعی مرتبط با مواد بوده‌اند (www.khabaronline.ir/detail/525858/society/judiciary (2 February 2017).

رسیده است.^۱

اعمال مجازات اعدام تاکنون عواقب سوء بین‌المللی برای کشورمان در پی داشته است. گزارشات شورای حقوق بشر و تعیین گزارشگر ویژه از سوی آن نهاد و نیز گزارشات دبیر کل سازمان ملل متحد به مجمع عمومی، در سال‌های اخیر که در همه آنها، به نوعی به اجرای فراوان مجازات اعدام اشاره شده است؛ همگی مؤید این ادعا هستند.^۲ بنابه گفته مسئول ستاد حقوق بشر قوه قضائیه، ۹۰ درصد اعدام‌ها در ایران مربوط به جرایم مرتبط با مواد است.^۳

بنابراین، شایسته است با نگاه به اجماع نهادهای بین‌المللی حقوق بشر که جرایم مرتبط با مواد مخدر و روان‌گردان را مشمول عنوان «خطرترین جرایم» ندانسته‌اند و با توجه به رویه اکثر دولت‌ها، با تفسیر کاملاً مضیق از ماده ۶ میثاق تلاش کرد که اعمال مجازات اعدام در جرایم مرتبط با مواد مخدر و روان‌گردان به حداقل برسد؛ به نحوی که اقدامی کاملاً استثنایی محسوب شود.

به نظر می‌رسد، در جامعه‌ای مثل ایران که دارای ویژگی‌های خاص از قبیل همجواری با بزرگترین کشور تولیدکننده مواد مخدر و دارای جمعیت جوان است و در آن ظرفیت فعالیت باندهای عظیم قاچاق مواد به صورت مسلحانه وجود دارد، وضع قوانین کیفری سختگیرانه به منظور کنترل مواد مخدر و روان‌گردان در کنار سایر عوامل پیشگیرانه، منطقی و در جهت حمایت از حقوق بشر باشد. عمل اشخاص حرفه‌ای و اشخاصی که به صورت شبکه‌های سازمان‌یافته و یا به صورت مسلحانه و با استفاده از زور اقدام به قاچاق، داد و ستد، تولید و حمل مواد مخدر و روان‌گردان می‌کنند، سلامت نسل جوان جامعه و نهایتاً بقای جامعه را به خطر می‌اندازد. در اینگونه موارد و نیز در مورد مجرمین حرفه‌ای سابقه‌دار که امیدی به اصلاح و بازگرداندن آنها به جامعه نیست؛ به منظور حفظ حیات و کرامت سایر افراد جامعه و تضمین برخورداری آنها از حقوق‌شان، به عنوان آخرین گزینه چاره‌ای جز حذف مجرمین موصوف از جامعه نیست؛ چرا که اعمال اینگونه اشخاص، باعث به خطر افتادن جان و سلامتی بسیاری از

۱. جهت مطالعه بیشتر رجوع کنید به: (فرجیها، ۱۳۹۶: ۳۳-۱۷).

۲. به عنوان مثال بندهای ۹ تا ۱۲ گزارش ۲۸ می ۲۰۱۵ گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر در مورد ایران، به آمار بالای مجازات اعدام در کشورمان در رابطه با جرایم مرتبط با مواد و مخالفت آن با تعهدات بین‌المللی دولت اشاره دارد (UN Doc. A/HRC/28/70, 28 May 2015).

۳. در مورد اظهارات مسئول ستاد حقوق بشر قوه قضائیه، رجوع کنید به: (www.isna.ir/news/9550108387 15 (April 2017).

افراد بیگناه و نیز تهدیدی برای جامعه و بشریت محسوب می‌شود. در واقع، اینگونه موارد را می‌توان از مصادیق «خطرترین جرایم» محسوب نمود.^۱ قانون مبارزه با مواد مخدر، قبل از الحاقیه^۲ سال ۱۳۹۶ و نیز قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲، به دلایل مختلف از جمله پیش‌بینی گسترده مجازات اعدام و قطعی دانستن احکام صادره از دادگاه‌های انقلاب، مغایرت‌های زیادی با استانداردهای ماهوی و شکلی دادرسی داشت. اقدامات اخیر مجلس، بسیار ارزشمند اما ناکافی است.

به دلیل بقای مجازات بدنی در قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر، هنوز در انطباق آن قانون با تعهدات بین‌المللی دولت تردیدهای جدی وجود دارد. مجلس باید در صدد حذف تمام اشکال مجازات بدنی در جرایم تعزیری از جمله جرایم مرتبط با مواد و نیز محدودتر کردن مجازات اعدام باشد؛ به نحوی که اعمال مجازات اعدام صرفاً محدود به اشخاص خطرناکی شود که دیگر امیدی به اصلاح آنان نیست و اقدامات آنان به عنوان «خطرترین جرایم» باعث به خطر افتادن حیات سایر اشخاص می‌شود.

نتیجه‌گیری

با توجه به آثار سوء جرایم مرتبط با مواد مخدر و روان‌گردان بر سلامت و کرامت انسان و نیز

۱. به اعتقاد موافقان مجازات اعدام، همه انواع کشتن بد نیست، گاهی اوقات کشتن برای حفظ خود (دفاع مشروع) ضرورت دارد. نمی‌توان با استناد به حق حیات با هر نوع سلب حیاتی مخالفت کرد. بشر و مقام انسانی هر فرد، تا زمانی محترم است که از جایگاه انسانی خود تنزل نکند، کسی که برای جان و آزادی دیگران، ارزش قائل نمی‌شود و یا حق حیات دیگران را سلب می‌کند، خود نیز شایسته دوست داشتن نیست (اردبیلی، ۱۳۸۵: ۱۵۹).
۲. با تصویب ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر در ۱۳۹۶/۷/۱۲ و لازم الاجرا شدن آن، در حال حاضر مجازات اعدام در جرایم مرتبط با مواد مخدر و روان‌گردان صرفاً محدود به مواردی است که:
 - الف- مباشر جرم و یا حداقل یکی از شرکاء، حین ارتکاب جرم سلاح کشیده و یا به قصد مقابله با ماموران سلاح گرم و یا شکاری به همراه داشته باشند.
 - ب- مرتکب نقش سردستگی یا پشتیبان مالی و یا سرمایه‌گذار را داشته یا از اطفال و نوجوانان کمتر از ۱۸ سال یا مجانین برای ارتکاب جرم استفاده کرده باشد.
 - پ- مرتکب به علت ارتکاب جرایم موضوع این قانون سابقه محکومیت قطعی اعدام یا حبس ابد یا بیش از ۱۵ سال داشته باشد.
 - ت- ساخت، تولید، توزیع، فروش و وارد کردن مواد مخدر سنتی موضوع ماده ۴ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مشروط بر اینکه بیش از ۵۰ کیلوگرم باشد و نیز ساخت، تولید، توزیع، فروش و وارد کردن مواد مخدر صنعتی و روان‌گردان‌ها (موضوع ماده ۸ آن قانون) مشروط بر اینکه بیش از ۲ کیلوگرم باشد. حمل و نگهداری، خرید و مخفی کردن مواد اخیرالذکر مشروط بر اینکه بیش از ۳ کیلوگرم باشد دارای مجازات اعدام است. البته، اجرای این بند نسبت به مرتکبان قبل از لازم الاجرا شدن این الحاقیه منوط به داشتن یکی از شرایط بندهای الف، ب یا پ شده است.

بنیان‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جوامع ملی و اینکه عدم برخورد قاطع و بازدارنده با آن جرایم، می‌تواند نظم و امنیت بین‌المللی را به مخاطره اندازد، دولت‌ها در طول سال‌های گذشته تلاش نموده‌اند؛ با تصویب کنوانسیون‌های بین‌المللی متعدد با جرایم مذکور به مبارزه برخیزند. با این وجود، در کنار ضرورت برخورد جدی با جرایم مرتبط با موادمخدر از منظر حقوق بین‌الملل حقوق بشر این مسأله مطرح بوده که اقدامات دولت‌ها در برخورد با جرایم موصوف نباید برخلاف موازین بین‌المللی حقوق بشر باشد.

دولت ایران به عنوان طرف معاهدات مهم بین‌المللی در زمینه مبارزه با مواد مخدر و روان‌گردان و معاهدات حقوق بشری، متعهد به فراهم کردن زمینه اجرای آن معاهدات است. اجرای با حسن نیت آن معاهدات، مستلزم قانونگذاری داخلی است. کوتاهی مجلس در وضع قوانین همسو با تعهدات بین‌المللی و یا در نسخ قوانین مغایر با آن تعهدات می‌تواند موجبات مسئولیت بین‌المللی دولت و محکومیت آن را در مجامع بین‌المللی فراهم کند.

اجرای مجازات اعدام، در طول سال‌های گذشته، در جرایم مرتبط با مواد مخدر و روان‌گردان، موجب برانگیخته شدن واکنش‌های منفی تند در بین برخی حقوقدانان داخلی، به دلیل مغایرت آن با یافته‌های جرم‌شناسی و نیز مجامع بین‌المللی با ادعای مغایرت آن با حق حیات و کرامت ذاتی انسان شده است. دولت ایران به‌رغم مخالفت نهادهای مختلف حقوق بشری با مجازات اعدام و گرایش جهانی به سمت لغو آن از آنجا که میثاق، تنها به ضرورت محدود کردن مجازات اعدام تصریح نموده و به علاوه به دومین پروتکل اختیاری منضم به میثاق در خصوص لغو مجازات اعدام ملحق نشده؛ به لحاظ حقوقی، اعمال آن مجازات را مغایر تعهدات بین‌المللی خود ندانسته و خود را ملزم به حذف آن از قوانین خود نمی‌داند؛ با این وجود، امروزه آثار منفی مجازات اعدام از نظر جرم‌شناسی و تأثیر آن بر مصالح نظام بر هیچ انسان واقع‌بینی پوشیده نیست. لذا ضروری است به نظر نهادهای حقوق بشری سازمان ملل متحد که جرایم مرتبط با مواد را مشمول عنوان «خطرترین جرایم» ندانسته‌اند؛ احترام گذاشته و حداکثر تلاش برای محدود کردن مجازات اعدام صورت گیرد.

اقدام مجلس شورای اسلامی در تصویب قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ منطبق با استانداردهای شکلی و ماهوی دادرسی و نیز الحاق ماده ۴۵ به قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و روان‌گردان در سال ۹۶، به منظور محدود کردن

مجازات اعدام به قاچاقچیان مسلح، سردسته‌های گروه مجرمانه سازمان یافته، مجرمین سابقه‌دار و تولید و وارد کننده گان عمده مواد مخدر و روان‌گردان، اقداماتی در خور تحسین و همسو با تعهدات بین‌المللی دولت تلقی می‌شود. لکن باید توجه داشت که همچنان وجود مجازات بدنی در قانون اخیر الذکر در برخی موارد بر خلاف تعهدات حقوق بشری ایران، یافته‌های علمی و مصالح عالی‌ه نظام است. اعمال مجازات اعدام در جرایم مرتبط با مواد در بسیاری از موارد، دفع فاسد به افسد است (مرعشی، ۱۳۷۹:۱۷۱) لذا باید به موارد بسیار نادر که دیگر امیدی به اصلاح بزهکار نیست، محدود شود.



منابع

الف- فارسی

کتابها

- اردبیلی، محمدعلی، (۱۳۸۵)، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ دوازدهم، تهران: نشر میزان.
- تسون، فرناند، (۱۳۹۲)، فلسفه حقوق بین الملل، ترجمه محسن محبی، چاپ دوم، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش.
- تیگر شتروم، باربارافن، (۱۳۸۹)، امنیت انسانی و حقوق بین الملل، ترجمه اردشیر امیر ارجمند و حمید قنبری، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا، (۱۳۸۵)، حقوق بین الملل عمومی، چاپ بیست و ششم، تهران: گنج دانش.
- طهماسبی، جواد، (۱۳۹۱)، صلاحیت دیوان کیفری بین المللی، چاپ دوم، تهران: انتشارات جاودانه جنگل.
- فلسفی، هدایت الله، (۱۳۷۹)، حقوق بین الملل معاهدات، چاپ اول، تهران: فرهنگ نشر نو.
- فلسفی، هدایت الله، (۱۳۹۰)، صلح جاویدان و حکومت قانون: دیالکتیک همانندی و تفاوت، چاپ اول، تهران: فرهنگ نشر نو.

مقاله‌ها

- آقا میرسلیم، مرضیه السادات، (۸۷-۱۳۸۶)، «جایگاه مجازات اعدام در حقوق بشر اسلام و غرب»، خبرنامه انجمن ایرانی حقوق جزا، شماره‌های ۷ و ۸.
- بارانی، محمد، (۱۳۹۲)، «مبانی تعهدات بین المللی دولت‌ها در پیشگیری از جرائم جهانی شده»، مجله حقوقی بین المللی، دوره ۳۰، شماره ۴۸.
- داشاب، مهریار، (۱۳۸۵)، «سیر تحول الغای مجازات اعدام در شورای اروپا»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۱۸.
- سونکا، پتر، (۱۳۷۶)، «مجازات اعدام از دیدگاه حقوق بشر»، ترجمه محمد علی اردبیلی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۰-۱۹.
- صبوری پور، مهدی و فاطمه علوی صدر، (۱۳۹۴)، «سن مسئولیت کیفری کودکان و نوجوانان در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال ششم، شماره اول.
- غلامی، علی و محمد مهدی رحیمی، (۱۳۸۸)، «تأثیر سیاست جنایی سرکوب گرانه بر نرخ ارتکاب جرایم با نگاهی به سیاست جنایی اسلام»، پژوهش نامه حقوق اسلامی، شماره ۳۰.
- فرجیها، محمد، عباس شیخ الاسلامی و آزاده ساطعی، (۱۳۹۶)، «تأثیر اعدام بر گرایش اعضای

- خانواده فرد اعدام شده به ارتکاب جرایم و رفتارهای انحرافی»، وکیل مدافع، سال هفتم، شماره ۱۶.
- فلسفی، هدایت الله، (۱۳۷۳)، «اجرای مقررات حقوق بین‌الملل»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۳-۱۴.
- مرعشی، سید محمد حسین، (۱۳۷۹)، «مبانی فقهی مواد مخدر»، همایش بین‌المللی علمی - کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، جلد اول، انتشارات روزنامه رسمی کشور.
- میرزایی، محمد، (۱۳۹۳)، «جرایم فراملی: مفاهیم، آثار، مصادیق»، کارآگاه، شماره ۲۸.

ب- انگلیسی

Books

- Arrigo, Bruce and Heather Bersot, (2013), *The Routledge Handbook of International Crime and Justice Studies*, New York: Routledge.
- Bae, Sangmin, (2007), *When the State No Longer Kills: International Human Rights Norms and Abolition of Capital Punishment*, New York: State University of New York Press.
- Brownlie, Ian, (1998), *Principles of Public International Law*, Fifth Edition, New York: Clarendon Press.
- Crawford, James, Pellet, Alain, Olleson, Simon, Parlett, Kate, (2010), *The Law of International Responsibility*, New York: Oxford University Press.
- De Hoogh, Andre, (1996), *Obligations Erga Omnes and International Crimes: A Theoretical Inquiry into the Implementation and Enforcement of the International Responsibility of States*, The Hague: Martinus Nijhoff Publishers.
- De Schutter, Oliver, (2010), *International Human Rights Law, Cases, Materials, Commentary*, Second Edition, Cambridge and New York: Cambridge University Press.

Articles

- Duncan, Gareth, (2007), "Common but Differentiated Responsibilities: The Implications of Principle Seven and the Duty to Cooperate on the Implementation of the Convention on Biological Diversity", *Dalhousie University Law School*, Halifax, Canada.
- Lines, Rick, (2010), "A 'most Serious Crime'?-The Death Penalty for Drug Offences and International Human Rights Law", *Amicus Journal*, No. 21.

پ- اسناد

- Convention on Psychotropic Substances, 1971.
- Convention on the Rights of the Child, 1989.
- Human Rights Committee, General Comment No. 6, 1982.
- ILC Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, 2001.
- International Covenant on Civil and Political Rights.
- Safeguards Guaranteeing Protection of the Rights of those Facing the Death Penalty, UN Doc. E/RES/1984/50, 25 May 1984, Annex.
- Second Optional Protocol to the International Covenant on Civil and Political Rights, Aiming at the Abolition of the Death Penalty, UN Doc. A/RES/44/128, 15 December 1989, Annex.
- Single Convention on Narcotic Drugs, 1967.
- Vienna Convention on the Law of Treaties, 1969.
- United Nation Convention against the Illicit Traffic in Narcotic Drugs and Psychotropic Substances, 1988.
- UN Economic and Social Council Resolution, UN Doc. E/RES/1984/50, 25 May 1984, Annex.
- UN Human Rights Committee, Comments on the Report Submitted by Islamic Republic of Iran under Article 40 of the Covenant, UN Doc. CCPR/C/79 /Add. 25, 3 August 1993.
- UN Commission on Human Rights, UN Doc. E/CN.4/RES/2004/67, 21 April 2004.
- UN Commission on Human Rights, Report of the Special Rapporteur on Extra Judicial, Summary or Arbitrary Executions, UN Doc. E/CN.4/2005/7, 22 Dec. 2004.
- UN Doc .A/HRC/28/70, 28 May 2015.
- UN Human Rights Committee, Concluding Observation of the Human Rights Committee on the Report Submitted by Thailand under Article 40 of the Covenant, UN Doc. CCPR/CO/84/THA, 8 July 2005.

- UN Human Rights Committee, Concluding Observation of the Human Rights Committee on the Report Submitted by Sudan under Article 40 of the Covenant, UN Doc, CCCPR/C/SDN/CO/3, 29 August 2007.

- UN Office of the High Commissioner for Human Rights, High Commissioner Calls for Focus on Human Rights and Harm Reduction in International Drug Policy, Press Release, 10 March 2009.

- UN Report by the Special Rapporteur, Mr. Bocre Waly Ndiaye, Submitted pursuant to Commission on Human Rights Resolution 1996/74, UN Doc. E/CN.4/1997/60, 24 December 1996.

- UN Doc. A/HRC/34/40, 13 March 2017.

- Vienna Convention on the Law of Treaties (1969).

د- رویه قضایی

- ICJ Judgment of 20 July 2012, Case Concerning Questions Relating to the Obligation to Prosecute or Extradite (Belgium v. Senegal).

- ICJ, Reports, Barcelona Traction, 1970.

